

در کلاس درس قرآن، از اهمیت زبان عربی صحبت شده بود. دانش آموزی کلافه و بی حوصله برخاست و سؤال کرد: «خانم! قرآن را دوست داریم اما چرا باید به زبان عربی باشد؟»

برخی بچه‌ها به او و کلامش اعتراض کردند. برخی نیز در تأیید حرفش، با او هم‌زبان و همدل شدند. او را به خاطر نفس سؤال کردن و کنجکاوی‌اش تشویق کردم. با اشعار به این موضوع که شیوه اعتراض این دختر، بیشتر تحت تأثیر هجمه‌های فرهنگی روز به مقدسات مذهبی است، فرصت یافتم به سایرین یادآوری کنم که به هر دلیلی «در بدو امر»، به سؤال‌کننده متعرض نشوند و توصیه کردم که بنابر سفارش قرآن کریم، باید با سعه صدر قول‌های گوناگون را شنید و پس از تفکر و تدبیر، از بهترین آن‌ها تبعیت کرد (زمر/ ۱۸).

کلاس ساکت شد و آماده برای اینکه سخن قانع‌کننده‌ای بشنود. به دانش‌آموز سؤال‌کننده رو کردم و گفتم: «من در پاسخ تو فقط به ذکر یک دلیل بسنده می‌کنم اما یافتن دلایل دیگر را برعهده همه دانش‌آموزان کلاس می‌گذارم؛ به این ترتیب که هرکس از شما دلایلی منطقی برای نزول قرآن به زبان عربی بیاورد، علاوه بر استفاده از نظراتش در جمع کلاس و نیز ثبت آن‌ها در یک مجموعه تحقیقی از درس قرآن به نام خودش، امتیاز ویژه‌ای برای نمرات مستمر پایان ترم نیز دریافت خواهد کرد.» موافقت بچه‌ها را در چهره‌شان احساس کردم. دریافتم اکنون انگیزه‌هایی قوی برای آموختن و در واقع حل این شبهه دارند؛ پس آغاز کردم: «خداوند زبان آخرین کتاب و در حقیقت ختم کلام خود را از میان قومی برگزید که اکنون به اعتراف دانشمندان زبان‌شناس دنیا، کامل‌ترین، وسیع‌ترین و غنی‌ترین زبان دنیا از آن آنان است! پس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
مَلِكُ يَوْمِ الدِّينِ  
إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ عِلْمًا  
بِغَيْبٍ لَّعَلَّكُمْ تَهْتَبُونَ  
إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ  
إِنَّ كِتَابَ الْغَيْبِ لَفِي  
الْكِتَابِ الْمُبِينِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
مَلِكُ يَوْمِ الدِّينِ  
إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ عِلْمًا  
بِغَيْبٍ لَّعَلَّكُمْ تَهْتَبُونَ  
إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ  
إِنَّ كِتَابَ الْغَيْبِ لَفِي  
الْكِتَابِ الْمُبِينِ

تجربه

# حالا چرا عربی؟

نیلوفر هادوی  
دبیر آموزش و پرورش ناحیه ۲ اصفهان



**یکی از دلایل اینکه خدوند برای ارسال قرآن بر بنی آدم این زبان را برگزید، این است که این زبان خود منشأ الهی دارد. (در حالی که سایر زبان‌ها منشأ بشری دارند!)**

زمان، این مطالب نمی‌تواند زایدۀ فکر او باشد و حکمت بالغۀ خداوند در این کار بوده است و بس!»  
ساکت شدم و کلاس غرق تفکر شد. شاید خیلی‌ها به قضاوت‌های عجولانۀ خود در مورد این زبان عجیب و شگفت و نیز به قداست زبان وحی می‌اندیشیدند و شاید هم به درس ساعت بعدشان که درس عربی بود!

\*\*\*

آنچه در ادامه آمده، خلاصه‌ای از تحقیق دانش‌آموزان درباره این موضوع است که با بررسی مطالبشان، مجموع آن را در کلاس درس بازگو و به خود آنان منعکس کردم:

اکثریت قریب به اتفاق دانشمندان زبان‌شناس دنیا، زبان عربی را زبانی کامل معرفی کرده‌اند. در واقع، زبان عربی با غنا و پیچیدگی بسیاری که در دستور زبان و قواعد خود دارد، راه تحریف آیات قرآن را بر کسانی که می‌خواهند به عبارات آن دستبرد بزنند، بسته است. مثلاً برخلاف سایر زبان‌ها، اگر کلمه‌ای از یک عبارت را حذف کنیم یا تغییر دهیم، کل عبارت به هم ریخته می‌شود. زیرا تمام واژگان آن جمله، از نظر جنسیت (مذکر و مؤنث بودن)، تعداد (مفرد، مثنی و جمع بودن) و سایر ویژگی‌ها می‌باید تبدیل و تغییر یابند!

از سوی دیگر، اگر به لغاتی که در زبان فارسی در محاورات، مکتوبات و... به کار می‌بریم دقت کنیم، درمی‌یابیم که بسیاری از آن‌ها، اشتقاقات و هم‌خانواده‌های واژگان عربی هستند. این کلمات را در اشعار بزرگان و آثار و تألیفات پیشینیانمان - چون بوعلی سینا، بیرونی و... ده‌ها منجم، ریاضی‌دان، فیلسوف و... - نیز می‌یابیم. اغلب این بزرگان هم تمایل به کتابت آثار خود به زبان عربی داشتند. زیرا زبان مطرح علمی در آن روزگار، زبان عربی بود که البته پس از گذشت زمان آثار و کتب اینان به تدریج به فارسی برگردانده شد.

مثلاً واژه‌هایی چون «خراج»، «مکالمه»، «امتحان»، «تصدیق»، «انجماد»، «تمارض»، «تعلّم» و... که در گفتار ما رایج هستند، از مصادر ثلاثی مزید گرفته شده‌اند و از همین‌ها به راحتی و از روی اصول می‌توان «اسم فاعل»، «اسم مفعول»، «اسم مکان و زمان»، «صفات مشبّهه»، «صیغه مبالغه» و... ساخت که همان‌ها هم باز در زبان ما به فراوانی یافت می‌شوند؛ مثل «صادق»، «ممتحن»، «مریض»، «علامه».

از جنبۀ فصاحت و بلاغت زبان

همان‌گونه که آخرین دین، کامل‌ترین دین است، لازم‌هائیش - یعنی پیامبر و زبان وی - نیز بایست کامل، بی‌نقص و جاویدان باشند.

از طرف دیگر، می‌دانیم که اقوام عرب و فرهنگ و شرایط زندگی آنان (البته به غیر از تیره ابراهیم(ع)) همیشه از «تفکر»، «علم‌جویی» و حتی «سواد معمولی» فاصله داشته‌اند اما یکی از دلایل اینکه خداوند برای ارسال قرآن بر بنی آدم این زبان را برگزید، این است که این زبان خود منشأ الهی دارد. (در حالی که سایر زبان‌ها منشأ بشری دارند!)

حکمت خداوند بر این قرار گرفت که کلام دینش را در پهنۀ زبان «این قوم» نازل کند و آنان را از همان ابتدا با الهامات خود به سمتی رهنمون شود که نتیجۀ کار و وضع زبانشان با قوانین علمی، طبیعی و تجربی کاملاً منطبق باشد. مثلاً چرا کلماتی مانند: الشمس، البئر، العین، التار، الدار و... مؤنث مجازی‌اند؟»

هر یک از دانش‌آموزان نظری داد اما تقریباً پاسخ اصلی بیان نشد. لذا ادامه دادم: اگر کمی تأمل کنیم، می‌بینیم که در زبان عربی هر کلمه‌ای که صفت زایش و زاینده‌گی دارد، مؤنث است. مثلاً شمس مؤنث است؛ چون از خود نور و حرارت دارد ولی قمر (ماه) مؤنث نیست، چون نور و حرارتی ندارد. بفر (چاه) دائم در حال جوشش و بیرون دادن آب از خود است. عین (چشمه) دائم در حال ریزش آب است. نار (آتش) ذاتاً و دائماً در حال تولید و زایش نور و گرماست. و... البته بعضی کلمات را هم می‌یابیم که نمی‌توان این‌گونه درباره‌شان قاعده‌ای ذکر کرد.

اکنون چند کلمۀ هم‌خانواده برایتان مثال می‌زنم که همه از مادۀ حَمَم گرفته شده‌اند:

حُمَام و حَمَى: تب و حرارت بالای بدن

حَمِيمَة: آب یا شیر گرم شده

حَمَام: مکان استفاده از آب گرم و محل گرم

حَمِيم: آب داغ و سوزنده و نیز دوست گرم و صمیمی، و...

اکنون این سؤال پیش می‌آید که: حمام و حَمَامَة (کیبوتر)

چه وجه اشتراکی از نظر معنا با کلمه‌های دیگر دارند؟ آیا صفت گرمی در مفهوم این مشتق آخری هم وجود دارد؟

دانشمندان زیست‌شناس پس از تحقیق و مطالعات خود دریافته‌اند که کیبوتر و کیبوترسانان در مقایسه با سایر پرندگان، «گرم‌ترین بدن» را دارند! آیا عرب در آن عصر می‌توانسته با محدودیت‌های علمی - که حتی تعداد باسوادان سرزمین حجاز انگشت‌شمار بوده است! - میزان‌الحراره و آزمایشگاه حیوانات و دانش فیزیولوژی جانداران در دسترس داشته باشد؟

فقط یک چیز می‌توانیم بگوییم و آن هم اینکه با توجه به اطلاعات ما از شرایط، علاقه‌ها و ویژگی‌های زندگی عرب آن

و خدوند  
بنی آدم این  
زبان را برگزید  
این است که این  
زبان خود منشأ  
الهی دارد.  
(در حالی که  
سایر زبان‌ها  
منشأ بشری  
دارند!)

## در کلام آسمانی خلدوند، لغاتی از ۱۱ زبان (سیوطی، ۱۳۱۲: ۴) از اقوام دیگر نیز به چشم می‌خورد (که بدون تکرار هر لغت از هر زبان، مجموعاً ۱۵۰ واژه را شامل می‌شود). این هم‌راز حکمتی الهی ریشه می‌گیرد که یادگار و اثری از زبان سایر مردمان در قرآن باشد

قرآن می‌توان گفت اگر اعجاز هر یک از پیامبران پیشین بنا به اقتضای زمان خود، توانایی‌هایی بوده است که سرآمد عصر خود به‌شمار می‌رفت. مثل رواج و پیشرفت فن جادوگری و ساحری در زمان حضرت موسی (ع) که اعجاز ایشان بر سحر آنان غلبه و استیلا یافت و یا ترقی فن طبابت در زمان حضرت عیسی (ع) که اعجاز آن نبی بزرگ بر علم و دانسته‌های طبی حکیمان آن زمان غلبه و اشراف یافت. در زمان بعثت آخرین پیامبر، زیباتر از کلام وحی یافت نمی‌شد که روی دست اشعار بسیار جذاب و فصیح عرب آورده شود.

اشعار حماسی عرب از مرد صحرا ناگهان و در چشم برهم‌زدنی، یک‌مرد جنگی در معرکه نبرد می‌ساخت و جنگ‌های قبیله‌ای راه می‌انداخت! و زنان عرب با سحر کلام خود رگ‌حیثیت و جاهلیت مردان را برای برپایی جنگ و ستیز تحریک می‌کرد. یا اشعار عاشقانه و توصیفات شاعران عرب در وصف محبوب و معشوق نیز زبانزد عرب و عجم بود و سحر و جادوی کلامشان بر دل‌های شنوندگان حکایاتی برای خود داشت!

قوم مشرک، از ترس تأثیر گرفتن مردان و زنانشان از سخنان تازه‌ای که از زبان یک امی درس ناخوانده بیان می‌شوند که به تازگی مدعی پیامبری شده است، یعنی محمدامین، به یکدیگر سفارش می‌کنند زمانی که محمد لب به سخن می‌گشاید، گوش‌های خود را بگیرند؛ مبدا سحر سخنانش و جادوی رفتارشان آن‌ها را از خدایشان روی گردان کند! آنان دریافته بودند که کلام قرآن چه تحول بنیان برافکنی ایجاد می‌کند و می‌تواند، آری «می‌تواند» فقیر و غنی، مرد و زن، برده و ارباب و... را اسیر خود کند!

تاریخ؛ شوق تجمع هر هفته اعراب را در «بازار عکاظ» برای شنیدن اشعار و سخنوری‌های زیبای شاعرانشان - که از شنیدن آن سروده‌ها مسرور و محسور می‌شدند - ثبت کرده است. از سویی دیگر اگر خوب بنگریم درمی‌یابیم که آخرین پیامبر برای هدایت بشر از میان قومی برخاست که خود از همه نیازمندتر به هدایت بود؛ به دلیل رفتارهای عجیب و تأثیربرانگیزی چون برادر کشی، زنده به گور کردن

دختران، جنگ‌های طولانی بی‌ریشه و اساس، بت‌پرستی و شرکی جاهلانه و... بنابراین می‌باید هم‌وطن و هم‌زبان این قوم باشد تا زبان آنان را بداند و آنان نیز زبان وی را بفهمند. و دیگر اینکه بسیاری از کشورها و سرزمین‌های مسلمان‌نشین در پهنه گیتی، یا خود عرب‌باند و یا به هر جهت قربانی با زبان عربی دارند. آن‌ها برای سفر به مکان‌های مقدس، از جمله سرزمین وحی - که محل تجمع هم‌دینان و هم‌آیینان است و امکان آشنایی و گفت‌وگو و نزدیکی بیشتری میان مسلمانان را فراهم می‌سازد - قهراً به زبان مشترکی نیاز دارند. توجه داشته باشیم کتاب آسمانی به هر زبانی وحی می‌شود، همواره مردمانی بودند که متعرض شوند: «چرا کتاب به زبان مادری ما نیست!»

این زبان با برخی زبان‌ها چون فارسی، آمیختگی و اختلاط فراوانی دارد و بسیاری از فارسی‌زبانان، به‌خاطر آموختن زبان دشوار عربی، تازه بر زبان و ادبیات بسیار زیبا و غنی فارسی - که زبان مادری ایشان است - تسلط و اشراف پیدا می‌کنند. تصور کنید اگر انبوه واژگانی را که در اشعار شاعران گران‌قدری چون حافظ، سعدی، مولوی و... وجود دارند و از اشتقاقیات و کلمات زبان وحی هستند، از اشعار ایشان حذف کنیم، آن هم به این بهانه که فقط و فقط باید از کلمه‌های فارسی استفاده کرد (!)، چه از این اشعار بجا می‌ماند؟

بد نیست اشاراتی کوتاه نیز به ویژگی‌های دیگر زبان عربی داشته باشیم.

● موزون بودن و آهنگین بودن واژگان قرآنی، سلیس بودن حروف و متفاوت تلفظ کردن حرف‌های مشابه؛ مثل حروف «سین»، «صاد» و «ث»، یا حروف «زاء»، «ذال»، «ظاء» و «ضاد». این تفاوت در زبان فارسی نیست و حروف مشابه، یکسان و بی‌تفاوت تلفظ می‌شوند.

● در کلام آسمانی خداوند، لغاتی از ۱۱ زبان (سیوطی، ۱۳۶۲: ۴) از اقوام دیگر نیز به چشم می‌خورد (که بدون تکرار هر لغت از هر زبان، مجموعاً ۱۵۰ واژه را شامل می‌شود). این هم‌راز حکمتی الهی ریشه می‌گیرد که یادگار و اثری از زبان سایر مردمان در قرآن باشد.

پی‌نوشت:

۱. در آن زمان، به تازگی مطالبی ارزشمند در مجله رشد معارف اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۵۰، ص ۵۷ از محمدحسین بهشتی خوانده بودم و از همان مطالب بهره گرفتم.

منابع:

۱. بهشتی، محمدحسین؛ رشد معارف اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۵۰. ۲. سیوطی، جلال‌الدین؛ ریشه‌یابی واژه‌ها در قرآن. ترجمه دکتر محمدجعفر اسلامی. نشر شرکت سهامی انتشار. چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۲.

بنا بر این که در کلام آسمانی خلدوند، لغاتی از ۱۱ زبان (سیوطی، ۱۳۱۲: ۴) از اقوام دیگر نیز به چشم می‌خورد (که بدون تکرار هر لغت از هر زبان، مجموعاً ۱۵۰ واژه را شامل می‌شود). این هم‌راز حکمتی الهی ریشه می‌گیرد که یادگار و اثری از زبان سایر مردمان در قرآن باشد